



تیتراژه

میم مثل م ...

پشتوانه دلار

علوم انسانی بی‌فرهنگ! نفوذ لیبرالیسم در علوم انسانی

انعکاس خودخواسته!

یک صورتی بازی با طعم انتخابات!

یادداشت اختصاصی سوزنبنان به قلم استاد «سیاحت»

سردبیر (کارشناسی اقتصاد ۱۴۰۰)

زمان تقریبی مطالعه: ۵ دقیقه

جایگاه و تاثیر معلم در تعلیم و تربیت انسان (بعنوان اشرف مخلوقات)

خداوند وقتی حضرت آدم را آفرید اولین نکاتی که در مورد خلقت آدم (علیه السلام) مطرح شد این بود که «علم الادم الاسماء»؛ و تعلیم اسماء الهیه به حضرت آدم داده شد. این آیه در فضای دینی ما خیلی گویاست که خداوند یکی از بزرگترین ویژگی‌های انسان - و نه صرفا حضرت آدم (ع) - را امکان تعلیم‌پذیری می‌داند، تا آنجایی که هیچ موجودی انقدر تعلیم‌پذیر. رشد بشریت تا امروز چه در فضای معنوی و ملکوتی و چه در فضای مادی، رهاورد تعلیم و تعلم است.

به میزانی که در جامعه ما علم و عالم و معرفت چه در فضای مادی و چه در فضای معنوی جایگاه داشته باشد به همان اندازه در فضای مادی و معنوی رشد می‌کنیم.

تاثیر گذاری شهید مطهری بر جوانان قبل و بعد از انقلاب و دلیل تاکید مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بر استفاده از آثار ایشان

شهید مطهری تمام زندگی خود را در تعلیم و تعلم صرف کرد. تا توانست آموخت، و تا توانست تلاش کرد بیاموزاند. از این جهت روز ایشان را بعنوان روز معلم معرفی کردند.

اگر انقلابی به این عظمت در جامعه ما شکل گرفت - آن هم در قری که قرار بود معنویت و ایمان و توجه به این امور رخت بر بندد - حتما ریشه در تعلیم‌های شهید مطهری داشت.

امام خمینی (رحمه ا...) بعنوان راس هرم انقلاب نقش بزرگ و عظیمی داشتند ولی شاگردان ایشان مانند شهید مطهری

## معلمی برای همیشه تاریخ

حجت‌الاسلام دکتر نوروزی (در توصیه‌ای به اساتید دانشگاه‌قم):

## نگاه جامع فراتر از دید صرفا علمی

## نیازمند تقویت است



شعر

عصاره ایشار

امیر برقی نوش‌آبادی (کارشناسی زبان و ادبیات فارسی ۱۳۹۸)

بیا که کار بیچید و چاره باید کرد به هر چه شمع سلامی دوباره باید کرد به پاس آن که برافروخت نور راه کمال خطوط تنگ و کدر پرستاره باید کرد قلم نویسد اگر از عصاره ایشار در آن ز جوهر جان‌ها عصاره باید کرد رسید روز معلم بیا که تا شب قدر به قدر هر مه پنهان اشاره باید کرد به نام حق اگر دفتر است و آخر آن چو نیست نامی از استاد پاره باید کرد اگر به علم انسان خدا نظر دارد به جایگاه معلم نظاره باید کرد چراغ علم آدم چو روشن از ازل است حدیث پیشه‌ی تو در هزاره باید کرد اجازه هست که از تو نظر بخواهم باز کنون که عشق و لغت را اداره باید کرد برای دیدن یک نقطه از صفای تو خوب تمام آینه‌ها را اجاره باید کرد برون ز علم حسابی که از تو آموزیم شمار عاطفه‌ات بی‌شماره باید کرد چنان که آخر توصیف اوج شان تو را فقط ز بهت و سکوت استعاره باید کرد

عرصه‌هایی که انسان با آن درگیر است توجه نداشته باشم. این فیزیک و شیمی که من می‌خوانم در جهان بینی من کجاست؟ شهید مطهری معنویت هم داشت؛ برای اثرگذاری معنویت و اخلاق در کنار علمیت مهم است. شهید مطهری کاملا ناظر به نیازهای روز جامعه و جوان جلو می‌رفت. شهید مطهری مسائل مربوط به زن و نگاه اسلام به زن - که در آن زمان مطرح شده بود - را تبیین جامع و عالمانه می‌کند.

چقدر این ویژگی‌ها را در اساتید دانشگاه‌قم متبلور می‌بینید؟

امروزه راس واجبی به نام جهادت‌بین، اساتید هستند. جهادت‌بین برای همه آحاد مردم است. ولی چون استاد مرجعیت علمی و اجتماعی دارد در راس قرار می‌گیرد. اساتید دانشگاه‌قم اجمالا بسیاری‌شان این مرجعیت علمی، رفتاری و اجتماعی را در خود دارند و به اندازه خود اثرگذار هستند ولی

باید اذعان کرد که گاهی رسالت استادی ما تحت الشعاع تخصص ما قرار می‌گیرد!

اما نیازهای اجتماعی دانشجوی من چه؟ نیازهای فکری اجتماعی و معنوی چه؟ کمک کردن به دانشجو در عبور کردن از آسیب‌های اجتماعی چه؟ اینها عرصه‌هایی است که در کنار رشد علمی - که به عهده استاد است - بر عهده اوست. وقتی شما مرجع علمی و اجتماعی شدی آسیب‌های اجتماعی دانشجو هم می‌شود متوجه شما، که شما باید رشد دهی و رفع کنی! این نگاه جامع - فرا تر از دید صرفا علمی - نیازمند تقویت است. مکرر هم‌اندیشی‌هایی با همین عنوان در یکسال اخیر مطرح شده: رسالت استاد در تعالی اخلاقی دانشجو چیست؟ جهت ورود بیشتر در این عرصه‌ها با اساتید هم گفت‌وگو و همینطور از ایشان خواهش شده است.

رابط اندیشه‌های امام (ره) و جامعه بودند و توانستند جوان‌های زمانه خود را وارد عرصه‌های تحول‌خواهی جدی مبتنی بر نگاه دقیق علمی و معنوی کنند تا این انقلاب را شکل دهند لذا نقش شهید مطهری در تربیت جوان آنروز بی‌بدیل بود و امام ثمره عمر خودشان را شهید مطهری اعلام می‌کنند.

شهید مطهری عرصه‌های مختلف دینی را با یک نگاه جامع در اختیار جوان قرار می‌دهد. یک نگاه کامل و یک جهان‌بینی جامعی را به جوان انتقال می‌دهد. یک نقشه‌کاملی که انسان احساس می‌کند همه مسائش را در این نقشه می‌تواند حل کند. رابطه دنیا و آخرت، رابطه انسان و خدا، رابطه خدا و عالم، رابطه حکومت، مادیت، آخرت، ولایت، نبوت و همه روابط را تحلیل می‌کند. کسی که چنین الگو و نگاه جامعی را ارائه می‌دهد می‌تواند نه تنها برای زمانه خودش که برای زمان ما هم مورد استفاده باشد و شهید مطهری برای امروز ما هم معلم است. دلیل تایید آثار ایشان توسط مقام‌معظم‌رهبری (مدظله العالی) یا امام (ره)، نگاه جامعی است که ارائه می‌دهند و این نگاه جامع اگر در یک جوان شکل گرفت می‌تواند همه مشکلات فکری خود را در این طرح جامع حل کند. البته در کنار علمیت، معنویت، اخلاق و شاگردپروری هست.

با توجه به ویژگی‌های خاص جوانان امروزی اگر معلمین بخواهند تاثیر گذار باشند باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

اشاره کردم که شهید مطهری جامع بود و نگاه جامع و درهم‌تنیده و منسجمی داشت که نتیجه سالیان سال تحصیلات عمیق بود. این جامعیت را استاد لازم دارد من نمی‌توانم استاد فلان رشته علمی باشم و به بقیه







## دعای دهم صحیفه سجادیه

حضرت امام سجاد (علیه السلام) در هنگامی که می خواستند به خدا پناه ببرند این دعا را زمزمه می کردند:

بارخدا، اگر خواهی بر ما بخشی از سر فضل می بخشی، و اگر خواهی ما را به عذاب مبتلا کنی از سر عدل مبتلا می کنی، الهی به رسم احسان، عفو را نصیب ما کن، و به آئین چشم پوشی ما را از عذاب برهان، که ما را طاقت عدل تو نیست، و بدون عفو برای هیچ یک از ما آزادی میسر نیست، ای بی نیازترین بی نیازها، اینک ما بندگان تویم بر درگاهت، و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس تهیدستی ما را به توانگریت چاره کن، و رشته امید ما را با منع کردن لطف قطع مکن، که اگر چنین کنی، کسی را که از رحمت نیکبختی خواسته بدبخت کرده ای، و آن را که از فضل عطا خواسته محروم نموده ای، در این حال از پیشگاهت به سوی چه کسی رو کنیم؟ و از در رحمتت به کجا رویم؟ پاک و منزهی، ما از آن درماندگانیم که قبول دعای آنان را واجب کرده ای، و از آن گرفتارانیم که رفع گرفتاری را به ایشان وعده داده ای. و شبیه ترین چیزها به خواسته تو، و سزاوارترین کار به بزرگواری تو، رحمت آوردن بر کسی است که از تو رحمت خواهد، و به فریاد رسیدن کسی است که به تو فریادرسی کرده، پس بر زاری ما نزد خود رحمت آر، و به خاطر اینکه خود را در پیشگاهت به خاک افکنده ایم به فریادمان رس. الهی، شیطان، ما را چون در نافرمانیت او را همراهی کردیم سرزنش می کند، پس بر محمد و آلش درود فرست، و اکنون که شیطان را به خاطر تو واگذاشتیم و از طرف او به سوی تو روی آوردیم وی را به سرزنش ما شاد مکن.

ای پروردگرم، که برایم پروردگاری غیر او نیست، این وداع نسبت به ماه رمضان وداع فنا و آخرین بهره من از دیدار نباشد، تا آن را در سال آینده به من بنمایانی، در فراخ ترین نعمت ها، و برترین امیدها، درحالی که من برای تو بر پایه بهترین وفاداری باشم، به درستی که تو شنوای دعایی.

خدایا دعایم را بشنو، و به زاری و خواری و درماندگی، و توکلم بر خویش رحم کن، من تسلیم توام، امید به موفقیت و سلامت کامل و شرافت و رسیدن به جایگاه رفیع، جز به تو و از جانب تو ندارم، بر من منت بنه، ای که ثنایت بزرگ، و نام هایت مقدس است، به رساندنم به ماه رمضان، و درحالی که از هر ناخوشایند و محذوری، و از همه ناگواری ها سالم باشم، ستایش خدای را که بر روزه این ماه، و بیاداری عبادتش ما را یاری نمود تا مرا به آخرین شب آن رساند.

(البته وقتی این دو فرق می کنند که آن انسان نخواهد مثل گوسفند فقط بخورد و بیاشامد و بگردد و آن کار دیگر بکند)

شاید صد و چهل بار شنیدی که: معلمی شغل انبیاست؛ اما تا به حال یکبار به آن فکر کرده ای یعنی چه؟ خب پس باید معلم را دوباره برایت تعریف کنم

می دانی معلم همه وجودش را برای رشد شاگردانش می گذارد؟ او باید هر آنچه که آموخته را بیاموزد و هر راهی که رفته را نشان بدهد. معلم یعنی کسی که کارش تربیت است؛ یعنی کسی که آمده تا انسان را از جهل به عقل رهسپار کند و دانش آموز را به دانشمندی برساند ... معلم افق های دور را می بیند. او می بیند که ۳۰ سال بعد باید چگونه زیست، چگونه برخورد کرد و چگونه یاد داد ...

چرا سخت ترین شغل دنیاست؟ چون قرار است مستقیماً با انسان کار کنی و اگر نتوانی او را تربیت کنی نه یک انسان را بلکه یک جامعه را به سمت گمراهی بردی و اگر او را درست تربیت کنی و ظرفیت های وجودی اش را به او بشناسانی و استعداد هایش را شکوفا کنی تو یک جامعه را به سعادت میرسانی ...

تعریف درست معلم، مطهری و مصباح و بهشتی و همه کسانی هستند که می کوشند مثل آنها باشند ... که نه زمان خود را بلکه سالها بعد از خود را می بینند و برای آن برنامه دارند...

این روز را تبریک میگویم به دو معلم به نام ابراهیم که یکی از آن ها هادی و دیگری همت نام دارند...



شمس ابرار

## میثم مثل م ...

علی ورمزیار (کارشناسی علوم قرآن و حدیث ۱۴۰۱)

زمان تقریبی مطالعه: ۳ دقیقه

به عقیده من که نه! به عقیده خیلی گنده تر از من، معلمی سخت ترین شغل دنیاست ... اگر فکر می کنی معلم یعنی هر روز با یک تعداد زبان نفهم (بلا نسبت شما) سر و کله زدن و چهار تا فرمول و قاعده بدرد نخور را یاد دادن و امتحان میان ترم گرفتن (البته امتحان که نه؛ بیشتر حال گرفتن) و سپس امتحان آخر ترم گرفتن و دیدن التماس های دانشجو و دانش آموز برای اینکه نمره ۲ و نیم را تبدیل به ۱۰ کنند و در نهایت سالی یکبار هم روز معلم بشود و انتظار هدیه داشتن و بعد تابستان و سه ماه حقوق مفت گرفتن و ... سخت در اشتباهی جانم! آن کسی که در ذهنت نقش بسته معلم نیست؛ آن ... است! (البته با احترام به تمامی عزیزان)

اگر جملات قلمبه سلمبه اینستا را که: بزرگترین معلم من رفیق نیمه راه بود که یاد داد به کسی اعتماد نکنم، بهترین معلمم روزگار بود که یادم داد می گذرد، تنها معلم من گذشته ام بود که یاد داد باید فراموش کنی و ...

کنار بگذاریم و لحظه ای خوب فکر کنیم، می بینیم معلم ها تمام زندگیمان را شکل داده اند...

این طرز فکری که داریم، راهی که می رویم، لباسی که می پوشیم، نوع سخن گفتن مان و همه رفتارهای اجتماعی را معلم هایی شکل داده اند که الگوی تمام زندگی ما بودند...

عزیزی می گفت: انبیاء یا معلم بوده اند و یا چوپان و بین این دو فرقی نیست



## شهید علی (حسین) فتاحی

شهید علی فتاحی، متولد اول شهریور ۱۳۴۸ ه.ش در شهر ادرکان است. وی در تاریخ ۷/۲/۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی جزیره مجنون در هجوم رژیم بعث عراق بر اثر اصابت تیر مستقیم به شهادت رسید. پیکر پاکش پس از تشییع با شکوه در بهشت شهدای ادرکان به خاک سپرده شد.

## قسمتی از وصیت نامه شهید:

من کوچکتر از آنم که برای ملت غیور ایران پیام بفرستم. ملتی که خون های پاکشان را فدای اسلام نموده اند و همیشه در راه اسلام جان فشانی می کنند.

ملتی که سالها سال پیش، انقلابی را شروع و انقلاب را بوجود آوردند و مردم را از گمراهی نجات دادند و پیام آوران راه حق و حقیقت، آنها را به دین اسلام آشنا کردند. آری امروز مردم شهید پرور ایران به راه خون های پاکی که سالها در راه انقلاب و اسلام فدا شده بود ادامه می دهند و نمی گذارند که خون های شان پایمال گردد. من چطور می توانم برای چنین ملتی که واقعا راه خون های پاک دلیر مردان اسلام را ادامه می دهند پیام بدهم؟! من بعنوان برادر کوچک و خدمتگذار حقیر اسلام به مردم ایران پیام می دهم که این امام امت این مردی که سالها سال وقت عزیزش را فدای انقلاب و اسلام نمود تنها نگذاریم و وصیت دیگر من این است که خدمتگذاران اسلام را تنها نگذاریم.

من وصیت می کنم به دانش آموزان عزیز، نگذارید دشمنان اسلام از موقعیت سوء استفاده کنند و آینده مملکت را دست بگیرند و کشور را به فساد بکشانند.

ای برادران تا آنجائی که می توانید سنگر مدرسه را پر کنید. جای کسانی را که جبهه رفتند و شهید شدند را پر کنید. برادرانی که در جبهه هستند فقط انتظار شما برادران محصل را دارند که اگر گناه و اشتباهی از من رخ داده مرا مورد عفو و بخشش البته با بزرگواری تان قرار بدهید.

من از دوستان عزیزم می خواهم که اگر در این چند سالی که با هم بودیم و رفت و آمد می کردیم اشتباهی یا کاری کردم که موجب ناراحتی شما شده ام مرا مورد عفو قرار دهید و اگر از شما برادران خداحافظی نکردم مرا مورد عفو قرار داده و همیشه به مزار شهدا بروید.



## مگه باهات شوخی دارم؟!\*

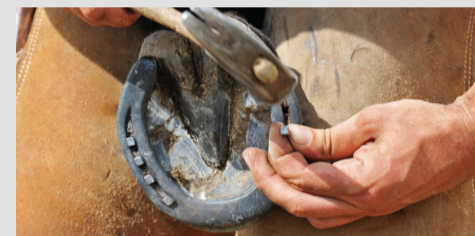
سر دبیر (کارشناسی اقتصاد ۱۴۰۰)

\* تاکید رئیس جمهور بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی جهت برگزاری «فراندوم»

\* حمایت رئیس جمهور از انجمن (اسلامی) مستقل + حجت الاسلام رئیسی: تغییر نظم جهان به سود مستقل‌ها است

\* دولت برای دریافت خودروهای داخلی دو سال به مردم مهلت داد + زمان تحویل برخی خودروهای ثبت نامی ۱۴۰۱ سال ۱۴۰۳ اعلام شده!

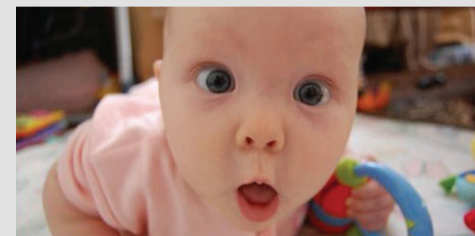
\* رئیس مجلس دو شغله می‌شود!\*



+ شنیده‌ها حکایت از آن دارد که به دلیل تکرار حرکت «یکی به نعل، یکی به میخ» نعل‌بندی‌های زیادی خواهان استخدام «قالیباف» هستند لازم به ذکر است که او مدت‌هاست «قالی‌باف» هم هست!

\* اعتراض دولت به استفاده زیاد صدا و سیما از آرشیو سخنان «رئیسی» + به روایت یک منبع موثق، صدا و سیما به علت آنچه «تکرار وعده‌ها توسط رئیس‌جمهور» خوانده، تمایلی به ضبط جدید ندارد

\* غافلگیری جدید کسب و کارها



+ وزیر اقتصاد وعده داد: کسب و کارها دیگر غافلگیر نمی‌شوند

\* شهرآورد نودم برگزار شد! + مولانا در مصاحبه با سوزن‌بان، طی مصراع «چون که صد آید نود هم پیش ماست» از برگزار شدن دربی نودم خبر داد!

\* تاکید دولت به استفاده از تجربه کار کشته‌ها



+ لایحه واردات خودروهای کارکرده آماده‌ست

## اقتصادی - سیاسی

## پشتوانه دلار

نگاهی کوتاه به تاریخچه شکل‌گیری و قدرت‌گرفتن دلار بعنوان ارز بین‌المللی و یکی از دلایل افول دلار

سید امیررضا سجادی (کارشناسی اقتصاد ۱۴۰۰)

زمان تقریبی مطالعه: ۴ دقیقه

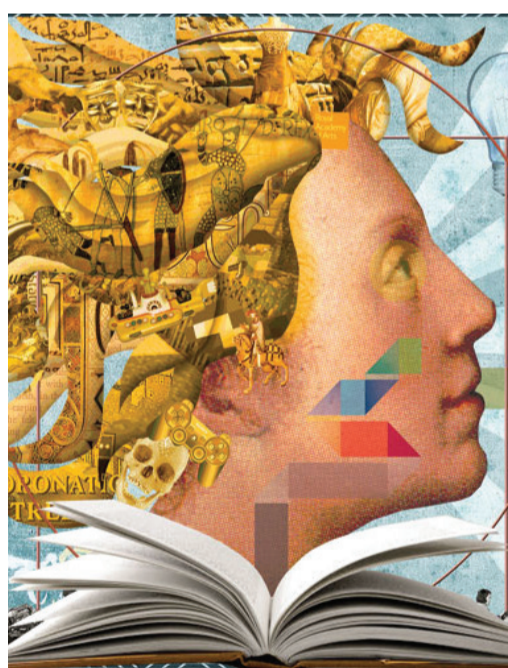
که ارزش دلار آمریکا را بالا ببرد و آمریکا را از لبه پرتگاه دور کند. او دستوری صادر کرد که بر مبنای آن فدرال رزرو، نباید طلاهای گرفته شده از کشورها را پس میداد. این سیاست به «شوک نیکسون» معروف شد. در طی این دوره، وزیر نیکسون، «هنری کیسینجر» - یک سیاستمدار ماهر - این پیشنهاد را می‌دهد که آمریکا با نظام سلطنتی عربستان مذاکره و قراردادی امضا کند و نفت را پشتوانه دلار قرار دهد. این توافق از این قرار بود که آمریکا امنیت تاسیسات و سلطنت پادشاهی عربستان را تامین می‌کند و به عربستان تسلیحات نظامی می‌دهد و در عوض عربستان موظف است که فروش نفت خود را فقط با دلار انجام دهد. در این حالت ارزش دلار بسیار زیاد شد و «پetroدلار» به وجود آمد.

به صورت کلی «پetroدلار» یعنی فروش نفت از طریق ارز دلار. از طرفی عربستان مازاد فروش نفت خود را - به جای دریافت دلار - در آمریکا در صنایع مختلف سرمایه‌گذاری می‌کرد که باعث می‌شد رونق اقتصادی آمریکا بیشتر شود و در نتیجه بسیاری از صنایع آمریکا از جمله تسلیحات گسترش پیدا کرد.

اما هنوز بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال، دلار قدرت بسیار زیادی دارد و ۸۰ درصد از

معاملات دنیا را به خود اختصاص داده است. حال چین با عربستان قراردادی می‌بندد که درصدی از فروش نفت عربستان از طریق «یوان» - پول رایج چین - انجام شود که این اتفاق باعث وارد شدن ضربه سنگینی به سلطه دلار آمریکا می‌شود. چین با این کار «پetroیوان» خود را جایگزین پترودلار می‌کند. همچنین عربستان، بزرگترین صادرکننده نفت جهان، آمادگی خود را جهت فروش نفت خود با دیگر ارزها اعلام کرده است. از طرف دیگر ایران و روسیه نیز به دنبال حذف دلار از مبادلات خود هستند که این موجب پایین آمدن شدید قیمت جهانی دلار و بالا رفتن قیمت طلا خواهد شد.

این مساله‌ای است که آمریکا آن را تحمل نمی‌کند و برای آن وارد جنگ هم می‌شود. درست مثل سال ۲۰۰۳ که عراق دیگر نفت خود را نه به دلار که با یورو معامله می‌کرد و بلافاصله با حمله آمریکا مواجه شد. حال باید دید که آیا عصر پترودلار به پایان خواهد رسید یا خیر!\*



دیگر حتی خود غربی‌ها نیز از اجرای تک‌تک نظریات مکتب نئولیبرال، سخن نمی‌گویند بلکه به اقتصادی ترکیبی که بخشی از آن لیبرالستی بوده و بخشی دیگر آن تاثیر پذیرفته از آنچه که تحت عنوان سوسیالیسم اقتصادی می‌شناسیم، باور دارند. و در آخر به این بیت از مولانا جلال الدین محمد بلخی، شاعر و متفکر ایرانی، بسنده می‌کنم که می‌گفت: ساعتی میزان آنی ساعتی موزون این / بعد از این میزان خود شو تا شوی موزون خویش

علوم انسانی بحث مفصلی می‌طلبد که شاید در آینده به آن بیشتر بپردازیم.

## سیاسی - فرهنگی

## علوم انسانی بی‌فرهنگ!

سخنی در باب یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و بحران‌های جامعه ایرانی!\*

مهدی غروی (کارشناسی زبان و ادبیات فارسی ۹۸)

زمان تقریبی مطالعه: ۲ دقیقه

و اجتماعی که ما در بطن و متن آن به سر می‌بریم و ... مورد محاسبه قرار نگرفته است. پیش‌فرضی که در تعریف کلیه مفاهیم اقتصادی اعم از تورم، نقدینگی، عرضه و تقاضا و امثالهم وجود دارد، این است که دیگر متغیرهای موجود در اقتصاد در وضعیتی ثابت و غیر موثر قرار داشته باشد. با این اوصاف می‌توان اینگونه نتیجه گرفت، که در شرایطی که دیگر متغیرها دستخوش تغییراتی شوند، آن معادلات و تعاریفی که در کتب اقتصاد غربی آمده و داعیان علم اقتصاد داخلی، دم از آن می‌زنند، نیاز به بازنگری و ترکیب شدن با نظریات جدید و بومی خواهد داشت.

اما مسئله‌ای که در داخل با آن مواجه هستیم، جدی‌تر و بسیار تاسف بارتر از اینهاست؛ چرا که نوعی تجر و عقب‌افتادگی نسبت به همان نظریات و مکاتبی که از دل آمریکا و اروپا، وجود دارد.

آنچه که در اقتصاد ایران، تعیین‌کننده‌ترین عامل به شمار می‌رود، پارادایم و الگو واره‌ای است از تفکر استعماری حاکم بر غرب‌گرایانی که روح و جان خود را به آن سوی کره‌خاکی فروخته‌اند. تاسی و پیروی کورکورانه از برخی مکاتب علوم انسانی که به بخشی از تاریخ تعلق داشته و دیگر در بین اندیشمندان و متفکران نو ظهور غربی نیز، جایگاهی ندارد، از بارزترین ویژگی این جریان فکری در جامعه پس از انقلاب اسلامی است. بی‌گمان مشکل اصلی و اساسی در کشور، نبود علوم انسانی است که به اینجا و اکنون ما و با در نظر داشتن میراث تاریخی و فرهنگی مان بپردازد. در هیچ‌کدام از کتاب‌های اقتصادی که در آمریکا و اروپا تدریس می‌شود، شرایط تحریمی موجود در ایران، شرایط فرهنگی

+ لایحه واردات خودروهای کارکرده آماده‌ست





اقتدار شخصیتی بروجردی را نادیده نگیرد تا دست کم وقتی سرکرده کومله‌ها، کاک شوآن دستگیر می‌شود، بروجردی بتواند قدرت عملی از خود داشته باشد.

ظاهراً فیلم‌ساز فراموش کرده که ناسلامتی بروجردی فرمانده سپاه غرب کشور بوده است. لطیفی ادعا می‌کند که میرزا را چریک نشان داده، اما به واقع او حتی به اندازه یک چریک هم اقتدار ندارد. این آش آن قدر شور می‌شود که دست آخر مخاطب از تسامح خسته می‌شود و از تیری که پرستار در مغز کاک شوآن خالی می‌کند، احساس رضایت دارد.

همه این‌ها را گفتم تا این را از شما بپرسم؛ محمد بروجردی فیلم غریب، شما را یاد کدام فرمانده می‌اندازد؟ فرمانده‌ای چشم رنگی و بور که امروز هر جا می‌نشیند از مردمی‌سازی و اعتماد به آن‌ها دم می‌زند. پاسخ بماند برای ایام انتخابات ...

مدلول‌های فیلم به طرز شدیدی این گزاره را تقویت کنند و شما بگویید نه!

دال اول فیلم غریب، نمایش یک رزمنده جوان است که مردم کرد پناه آورده به پادگان افسران ارتش را به طرز بدی برای نماز صبح بیدار می‌کند و بروجردی اعتراض می‌کند. دال دوم آن جایی است که بروجردی توانسته دو کومله را خیلی آرام و بدون تلفات خلع سلاح کند، اما درست سر بزنگاه همین فرد سر می‌رسد و کار را خراب کرده و بعد از آن بروجردی دستور بازداشتش را می‌دهد. دال دیگر لو رفتن گرای سرهنگ ملی‌گرای ارتش است و در نهایت دال آخر، تیراندازی آمر به معروف سابق و دشمن امروز از بالای مسجد به سمت طرفداران جمهوری اسلامی است که مخاطب به سادگی آن را می‌پذیرد، چرا که کارگردان از قبل قورباغه را آب‌پز کرده است.

همه این دال‌ها به یک مدلول ختم می‌شوند و آن اینکه امروز هر کسی می‌خواهد دم از امر به معروف بزند و با دشمن شدت به خرج دهد، قطعاً نفوذی خواهد بود. لطیفی می‌توانست به جای پرداخت پرطمطراقی که از «کاک شوآن» و نیروهای کومله در طول فیلم ارائه می‌دهد، تصویر جزئی‌تری از بروجردی روی پرده بیاورد، اما گویا چاره‌ای جز این نداشته. اگر برخی ملاحظات دیکته شده به لطیفی نبود، او حتماً بیش‌تر از این‌ها می‌توانست از میرزا محمد بگوید، حتماً می‌توانست خنده‌های میرزا را طوری نشان دهد که گویی او یک احمق است، حتماً می‌توانست

## یک صورتی بازی با طعم انتخابات!

یادداشت اختصاصی استاد «سیاحت» (مدیر موسسه مرحوم استاد فرج‌نژاد) برای سوزنبا

علی اصغر سیاحت هویدا

زمان تقریبی مطالعه: ۵ دقیقه

بروجردی غریب «رحماء بینهم و اشداء علی الکفار» به گوشش خورده است، اما نه رحمائش را فهمیده و نه اشدائش را. او نگاهش به جوان رزمنده آمر به معروف بدبینانه است، او را نفوذی می‌بیند و به او اعتماد ندارد؛ اما در مقابل پرستار کردی که نه حجاب درست و درمانی دارد و نه گرایشی به امام و انقلاب، رام و مطیع است. می‌گوید چاره‌ای نداریم و باید به مردم اعتماد کنیم، پس بدون هیچ پروتکلی به او یک کلت می‌دهد که دست آخر همین کلت کار دستش می‌دهد.

بزرگترین ایراد فیلم این است که مخاطب را چنان مسحور می‌کند که او تصور کند همه کسانی که امر به معروف می‌کنند، کار خراب‌کن هستند و در نهایت نفوذی از آب در می‌آیند.

غریب همان قدر که بروجردی را مهربان و بیش از حد صبور نشان می‌دهد، جوان آمر به معروف را هم تنفربرانگیز نشان می‌دهد. اگر از سازندگان غریب بپرسید که چرا در فیلم‌تان آمرین به معروف را این قدر کریم‌المنظر و قبیح‌العمل نشان داده‌اید، قطعاً اولین جوابشان تکذیب است و بعد می‌گویند که او تنها یک نمونه بوده و نمی‌شود تعمیم‌اش داد. و نکته دقیقاً همین جاست که چگونه ممکن است تمام دال و

غریب نتیجه تلاش یک فرد یا سازمان نیست، ماحصل ارتکازات یک نوع نگاه به دین است. دیدگاهی که امروز «مذهبی صورتی» شهرت یافته و به ظاهر زاینده امروز و دیروز است، حال آن که ریشه در تاریخ دارد.

سال‌ها نگذاشتند از میرزای چریک فیلمی ساخته شود و تو گویی آن را در آب نمک خوابانده بودند تا در وقت مبادا خرجش کنند. بله، خرج! «من خرج امام می‌شوم، نه امام خرج من»، این شاه بیت دیالوگ‌های فیلم است و ای کاش فیلم هم معتقد به این جمله بود؛ «من خرج شهید می‌شوم، نه شهید خرج من» و هزار دریغ که چنین نیست.

سازمان اوج ابتدا یک «محمد بروجردی» روایی خلق می‌کند و بعد هم خرج خرج یک جریان سیاسی مذهبی؛ مذهبی صورتی.

اصلاً می‌توان گفت «محمدحسین لطیفی» در آخرین فیلمش، یک «محمد بروجردی» تازه ساخته است که هیچ ربط و نسبتی با میرزا محمد چریک ندارد؛ همه‌اش مسیح کردستان است.

ارزش هنری دانسته‌اند و بعضی دیگر این فیلم را یک فیلم معمولی و ضد ایرانی. دسته دوم معتقد است که چند سالی است برخی فیلم‌سازان به سمتی رفته‌اند که با نشان دادن وضع اسفناک و نابه‌سامان از خانواده ایرانی و ارسال فیلم‌هایشان به جشنواره‌های بین‌المللی دنبال مخدوش کردن تصویر ایران و ایرانی در مجامع خارجی هستند و این فیلم هم همین مسیر را طی کرده و توانسته است با پیمودن این راه به دو جایزه دست چندم دست یابد. برخی نیز بیان می‌کنند که این فیلم و فیلم‌هایی از این دست واقعیت‌های جامعه را نشان می‌دهد و انعکاس جامعه در هنر هفتم است. باید دانست که «فیلم خوب» آن است که با «مردم» نسبت برقرار کند و واقعیت‌های زندگی آنها را با ارزش گذاشتن به هنجارها و سبک زندگی «همان مردم» روایت کند نه وابسته به «خیال‌سازنده» که ارجاعاتی به بیرون دارد. فیلم خوب باید نسبت و واقعیتی بسازد و خلاق باشد.

در واقع با یک جمعی مواجه هستیم که نمی‌شود به آن «خانواده» گفت.

تصویری که این فیلم از خانواده ارائه می‌کند، تصویری تیره و تاریک است: خیانت پدر و مادر، زندگی فزاینده و خودخواهانه، بی‌آبرویی که اصلاً و ابداً در سبک زندگی اصیل ایرانی حتی چنین زندگی‌ای به فکر هم خطور نمی‌کند. خانواده‌های بسیاری داریم که وضع زندگی بدتری دارند ولی آبرومندان زندگی می‌کنند و فیلم‌ساز به آنها احترام می‌گذارد. حال چه شده که سازنده حاضر است همه چیز خود را بفروشد تا یک جایزه بگیرد؟!

البته نقش پدر حریص خانواده و چشم و هم چشمی که در آن طایفه وجود دارد را نیز نمی‌توان انکار کرد، پدری که از وظایف خود سر باز می‌زند و به فکر هدف پست و پوچ خود است و در این راه فرزندان خود را فدای خود می‌کند.

دیدگاه و نظرات بینندگان نیز جالب است: برخی این فیلم را یک اثر شاخص و با

کارگردان این فیلم «سعید روستایی» است که تمایل زیادی به اثرسازی در این «ژانر» دارد و داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که درگیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی است و هر کدام از برادران لیلیا با سختی‌هایی روبرو هستند.

برخی از منتقدان فیلم را یک اثر ضد خانواده تلقی کرده‌اند و معتقدند فیلم به اشاعه منکر در جامعه پرداخته است. از بی‌احترامی به پدر و مادر و سیلی زدن دختر به گوش پدر تا دیگر اتفاقاتی که از بازگو کردن آن شرم دارم. استاد فراستی معتقد است که این فیلم، شاخ و برگ دادن به فیلم کوتاه قدیمی آقای «روستایی» به نام «مراسم» است و به نوعی با آن فیلم ارتباط و همراهی دارد. او همچنین معتقد است که فیلم فضای بازیگری را ندارد.

پیش‌تر، سعید روستایی فیلم‌های «ابد و بکر روز» و «متری شیش و نیم» را در همین ژانر ساخته بود که در تمام این فیلم‌ها «خانواده» سوژه اصلی است ولی



سالار شکوری

(کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۴۰۱)

زمان تقریبی مطالعه: ۴ دقیقه



پیشنهادات و انتقادات و راه‌های ارتباطی:

@qom\_anjoman  
۰۹۶۴۵۰۲۷۸۲۶

نشریه انجمن اسلامی مستقل دانشگاه قم



سال پانزدهم  
شماره ۸۲ | هفته چهارم اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

هیئت تحریریه: علیرضا اکبریان، امیر برقی نوش آبادی، ابوالفضل جهانبخش، سید امیر رضا سجادی، نیما شکوری، سالار شکوری، مهدی غروی، محمد ملکی امیری، علی ورمزیار، عرشیا یحیایی  
صفحه آرایی: مرضیه انبری

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه قم  
مدیر مسئول: علیرضا اکبریان  
سردبیر و ویراستار: عرشیا یحیایی

هفته نامه سیاسی،  
فرهنگی، اجتماعی  
سوزنبا